



بسته نجات یا جبهه مسدودی اقتصاد؟



کمال اطهاری

و شب تیره که اشباع شده است با فسونی که در او سوی ما دارد رو

هشدار بالا بسنده کردم. اما گویا دولت یکدست حکایتی از دهان تهیه‌کنندگان بسته نجات شنید که نه صبر ماند و نه هوشش. پس چنان شد که موبه‌و در حد وسع در اجرای آن کوشید. در واقع قفل‌شدگی نهادهی (institutional lock-in) در شکل‌بندی نوفنودال از یک سو، و ولع بی‌پایان رانت‌جویی از سوی دیگر، باعث تبعیت شیفته‌وار دولت از این بسته و قاعدتا رفاقت با تهیه‌کنندگان آن شد. پس لازم است از این بسته فنا رونمایی کنیم: یک، در این بسته آمده بود: «فروش شرکت‌های بزرگ دولتی و استفاده از درآمد حاصله برای پوشش قسمتی از هزینه‌های دولت؛ فروش زمین‌ها و ساختمان‌های دولتی و اختصاص درآمد حاصل از آن برای پوشش قسمتی از هزینه‌های دولت». این مهم در تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ با تصویب «آیین‌نامه اجرایی مولدسازی دارایی‌های دولت» عملی شد. البته پیش از این «شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۴ (دولت روحانی) در اقدامی فراقانونی فرمان واگذاری اموال دولتی را «در راستای تحقق اصلاح ساختار بودجه» نیز رام «مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت» صادر کرده بود، با تاکید بر اینکه «اعتبار این مصوبه به مدت دو سال می‌باشد». به عنوان زیورآلات هم در ماده ۱ هر دو مصوبه، هدف «کمک به رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری» ذکر شده بود که اگر واقعا هدف رشد اقتصادی بود، باید ابتدا برنامه توسعه دانش‌بنیان تهیه می‌شد و دارایی‌های دولتی در چارچوب آن ارزیابی می‌شد. اما در لایحه موجود برنامه هفتم توسعه نیز از این خبری نیست. به‌رصورت دولت عزم خود را جزم کرده بود که از این محل کسب درآمد کند و ازاین‌رو برای محکم‌کاری در بند ۲ ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی، اعضای هیئت واگذاری «نسبت به تصمیمات خود در موضوع مصوبه از هرگونه تعقیب و پیگرد قضائی مصون» شدند.

کافی است برای ارزیابی اقدامات دولت به فرازی از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «فروش و مولدسازی اموال دولت» (به‌تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۲) نگاه کنیم: «به دلیل عدم استقرار الزامات مورد نیاز برای کاهش هزینه فرصت بهره‌برداری از اموال و استفاده مؤثر از ظرفیت آنها، فروش و مولدسازی دارایی‌های دولت به‌عنوان بخشی از نظام مدیریت دارایی، به یکی از مسیرهای پوشش صوری کسری بودجه مبدل شده است، به‌طوری‌که به‌دلیل بیش‌برآوردی منابع در این بخش، عملا درصد تحقق بسیار پایینی مشاهده می‌شود. بااین‌حال در نبود قانون تخصصی مدیریت اموال، در سال‌های اخیر قوانین بودجه سنواتی به محملی برای پیشبرد حداقلی اهداف نظام مدیریت دارایی مبدل شده است». به‌عبارت دیگر در حالی‌که دولت توان برپایی نظام مدیریت شایسته دارایی‌ها را ندارد، از یک سو حتی وابستگان به سیستم نیز همه‌چیز را نقد می‌خواهند و دارایی‌های غیرمنقول دیگر به درد آنها نمی‌خورد. از سویی دیگر در فضای نامناسب کسب‌وکار که به‌طور مثال در سال ۲۰۲۰ رتبه ایران بین ۱۹۰ کشور ۱۲، و در سال ۲۰۲۳ رتبه عملکرد لجستیک (آمادگی زیربنایی تجاری) ایران ۱۲۳ بین ۱۲۸ کشور بوده است، بخش خصوصی به‌هیچ وجه خواستار چنین دارایی‌هایی نیست، بلکه هرازگاهی فریاد برمی‌آورد که «دولت، پایش را از روی گلولی بخش خصوصی بردارد». بدین‌ترتیب دولت یکدست شیفته حکایت بسته فنا، که نصیحت مردمان را به هیچ گرفته است، چیز دندان‌گیری هم نصیضش نمی‌شود.



محمدهادی جعفرپور وکیل دادگستری

ضرورت اصلاح قوانین به‌ویژه قوانین کیفری و به‌روزرسانی مجازات‌ها به‌عنوان واکنش اجتماعی چیست؟ تئوری‌ها و نظریات ارائه‌شده در مکاتب حقوقی مانند مکتب تحقیقی، کلاسیک، نئوکلاسیک، دفاع اجتماعی و... مؤید این ادعاست که همگام با تحولات اجتماعی و تنوع روابط افراد جامعه با یکدیگر و حاکمیت، اصلاح و به‌روزرکردن مقررات حاکم بر این روابط امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر در دوره انتقام خصوصی مهم‌ترین دلیلِ کیفر و مجازات‌کردن شخص

خفاکار انتقام‌گرفتن و آسودگی خاطر بزه‌دیده یا خانواده او تعریف می‌شد، با

تاسیس مکتب دفاع اجتماعی نوین، صیانت از ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی به منزله یکی از اهداف مهم مجازات‌ها تعریف شده، تأثیرپذیری ساختار قضائی-حقوقی هر جامعه‌ای از تحولات اجتماعی آن جغرافیا به این سبب است که نظام حقوقی را در قالب یک خرده‌نظام اجتماعی، منظومه‌ای مدون از حقوق و تکالیف تعریف‌شده برای اعضای جامعه در موقعیت‌های متنوع اجتماعی و سازمان‌دهی اجتماعی می‌دانند که با نظارت و ضمانت اجرای بایدها و نبایدهای تعریف‌شده در مجموع قوانین با هدف نظم‌بخشی به روابط افراد جامعه و پیشگیری از هنجارشکنی‌ها تبلور می‌یابد. اهمیت وجود یک نظام حقوقی مدون و به‌روز تا جایی است که در معرفی مختصات توسعه اجتماعی کشورها، برخورداری از نظام حقوقی کارآمد و پویا به‌عنوان یک شاخصه، معرفی می‌شود. در همین راستا و با هدف احترام به ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و... پدیده مجرمانه به منزله رفتاری ناقض این ارزش‌ها

توجه به توان اکولوژیک در برنامه‌ریزی‌های توسعه: با توجه

به اصول آمایش سرزمین، بارگذاری انواع فعالیت‌های انسانی لازم است براساس توان اکولوژیک انجام پذیرد تا اصول توسعه پایدار رعایت نشود. به‌عنوان نمونه، در برنامه توسعه سواحل مکران که

خفاکار انتقام‌گرفتن و آسودگی خاطر بزه‌دیده یا خانواده او تعریف می‌شد، با تاسیس مکتب دفاع اجتماعی نوین، صیانت از ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی به منزله یکی از اهداف مهم مجازات‌ها تعریف شده، تأثیرپذیری ساختار قضائی-حقوقی هر جامعه‌ای از تحولات اجتماعی آن جغرافیا به این سبب است که نظام حقوقی را در قالب یک خرده‌نظام اجتماعی، منظومه‌ای مدون از حقوق و تکالیف تعریف‌شده برای اعضای جامعه در موقعیت‌های متنوع اجتماعی و سازمان‌دهی اجتماعی می‌دانند که با نظارت و ضمانت اجرای بایدها و نبایدهای تعریف‌شده در مجموع قوانین با هدف نظم‌بخشی به روابط افراد جامعه و پیشگیری از هنجارشکنی‌ها تبلور می‌یابد. اهمیت وجود یک نظام حقوقی مدون و به‌روز تا جایی است که در معرفی مختصات توسعه اجتماعی کشورها، برخورداری از نظام حقوقی کارآمد و پویا به‌عنوان یک شاخصه، معرفی می‌شود. در همین راستا و با هدف احترام به ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و... پدیده مجرمانه به منزله رفتاری ناقض این ارزش‌ها

برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها در کنار هم آورده شده است، براساس توان اکولوژیک نیست...

• با توجه به دستاوردهای برنامه‌های مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور (ICZM) که برای اکثر سواحل ایران تهیه شده (یا در دست تهیه می‌باشد)، هرگونه برنامه توسعه این مناطق ضروری است با رعایت اصول مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی انجام شود. • مشارکت‌دادن به جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها: متأسفانه مشاهده می‌شود که در تهیه برنامه‌های توسعه سرزمینی، توجه لازم به جوامع محلی صورت نمی‌گیرد و راه‌حل‌هایی کلیشه‌ای و غیرمناسب برای توسعه آن مناطق تجویز می‌گردد. قابل‌توجه است که در سیاست‌های کلی توسعه دریامحور (مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۰) نیز، که برای توجیه احداث شهرهای جدید بسیار به آن رجاع می‌دهند، اصولا اشاره‌ای به احداث آنها نشده و نکات مهم آن عبارت‌اند از:

• تدوین طرح جامع توسعه دریامحور با پهنه‌بندی دریا، کرانه و پس‌کرانه و تعیین سهم و جغرافیای جمعیت، تجارت، صنعت، کشاورزی و گردشگری، به‌ویژه در سواحل و جزایر جنوب و به‌ویژه سواحل مکران ...

• توسعه فعالیت‌های اقتصادی دریامحور و ایجاد قطب‌های توسعه دریایی پیشران در سواحل، جزایر و پس‌کرانه‌ها به گونه‌ای که نرخ رشد اقتصادی در حوزه فعالیت‌های دریامحور (اقتصاد دریامحور) در مدت ۱۰ سال همواره دست‌کم دو برابر نرخ رشد اقتصادی کشور باشد.

• توسعه همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ‌مقیاس و دانش‌بنیان ساختنی، تولیدی و خدماتی با کشورهای همسایه و دیگر کشورها ...

اما سیاست‌گذاران توسعه دریامحور، نه طرح جامع، نه توان اکولوژیک، نه طرح‌های بزرگ‌مقیاس و دانش‌بنیان، نه ایجاد قطب اقتصادی و رشد اقتصادی فراتر از رشد اقتصادی کشور و نه مشارکت‌دادن به جامعه محلی و... بلکه تنها تشکیل یک بنگاه معاملات املاک بزرگ از طرف دولت را برای فروش (واگذاری؟) اراضی ملی و تداوم رانت‌جویی بورژوازی مستغلات، با تبلیغات گسترده درباره احداث شهرهای جدید در دستور کار قرار داده‌اند؛ اما این عرض شعبده نیز به دلایل زیر برای مردم اهل راز ایران پوشیده نیست.

دو، مسئولان از خرداد ۱۴۰۲ در مصاحبه‌های مختلف گفته‌اند که در برنامه هفتم توسعه، برای اسکان هفت درصد جمعیت کشور (حدود شش میلیون نفر) هدف‌گذاری شده و برای اجرای برنامه کلان انتقال این جمعیت به نوار ساحلی جنوب، احداث ۲۷ شهرک مسکونی جدید پیش‌بینی شده که هم‌اکنون احداث هشت شهرک مسکونی در سیستان‌بلوچستان و پنج شهرک مسکونی در هرمزگان در برنامه قرار گرفته است و درباره ۱۳ شهرک باقی‌مانده نیز پهنه‌های مسکونی آنها به تصویب شورای‌عالی شهرسازی و معماری رسیده است... به دلایل زیر این هدف‌گذاری‌ها تنها یک سراب است:

الف، می‌دانیم که برنامه احداث شهرهای جدید در جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۴۸ آغاز شد. بنا بر گفته‌های مدیرعامل وقت شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید در ۲۲ تیر ۱۴۰۰: «درحالی‌که ۲۰ سال از تأسیس شرکت‌های عمران شهرهای جدید در کشور می‌گذرد، در حال‌حاضر ۱۷ شهر جدید دولتی... در حال ایجاد هستند و در این شهرها ۸۰۰ هزار نفر سکنی گزیده‌اند و پیش‌بینی می‌شود جمعیت آنها تا پنج سال آینده به بیش از ۲،۵ میلیون نفر برسد. ۱۳ شهر جدید دیگر نیز در حال ساخت یا در مرحله مطالعات هستند». به‌این‌ترتیب بنا بر طرح‌های پیشین ایران در آینده بالغ بر ۳۰ شهر جدید خواهد داشت که ظرفیت جمعیت آنها هشت میلیون نفر تخمین زده شده است. از زمره شهرهای جدید احداث‌شده در جنوب ایران، عالی‌شهر (نزدیک بوشهر که احداث آن از دهه ۱۳۶۰ آغاز شد) با ظرفیت جمعیتی صد هزار نفر و شهر جدید علوی نیز با ظرفیت جمعیتی صد هزار نفر بوده‌اند که در انتهای دهه ۱۳۹۰ به ترتیب تنها حدود ۲۷ هزار و هزار نفر جمعیت داشته‌اند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۵ جمعیت بوشهر ۲۲۳ هزار و جمعیت بندرعباس ۵۳۶ هزار نفر بوده است. به‌عنوان یک نمونه قابل تکیه، جزیره قشم با سابقه باستانی سکونت و به‌عنوان یک منطقه آزاد و با امکانات ویژه گردشگری، ۱۴۱ هزار نفر در سال ۱۳۹۵ جمعیت داشته و پیش‌بینی می‌شود در صورت توسعه همه‌جانبه تا سال ۱۴۱۵ جمعیت آن به ۲۳۰ هزار نفر برسد. حال چگونه است که هدف‌گذاری شده در برنامه هفتم توسعه در مجموع یک میلیون نفر در نوار ساحلی جنوب و شهرها و شهرک‌های جدید ساکن شوند و به طور مقدم در کنار بندرعباس شهر جدید خلیج فارس برای گردشگری با ظرفیت ۱۵۰ هزار نفر، شهر جدید تیس در چابهار و کنارک با ظرفیت جمعیتی ۱۵۰ هزار نفر یا کارگرد گردشگری و شهر جدید مکران (جاسک) با ظرفیت ۲۰۰ هزار نفر جمعیت «با حمایت بخش‌های خصوصی» احداث شوند؟ یا استاندار بوشهر احداث یک شهر جدید را در این استان نوید دهد؟

ب، مرکز آمار ایران در گزارش سال ۱۴۰۰ خود، در محتمل‌ترین

سناریو ۱۰۱،۳ میلیون نفر جمعیت برای ۱۴۳۰ و ۸۹،۱ میلیون نفر برای ۱۴۰۵ پیش‌بینی کرده است. به‌این‌ترتیب حدود ۱۰ میلیون نفر در ۲۵ سال آینده بر جمعیت ایران افزوده خواهد شد که شهرهای جدید اجرا و طراحی‌شده (به جز ۲۷ شهر جدید مدنظر دولت حاضر در نوار جنوب) حداقل ۵،۵ میلیون نفر آن را می‌توانند جذب کنند. از سوی دیگر شهرهای موجود نیز به طور حتم جاذب جمعیت بسیاری خواهند بود. به طور مثال تنها در شهر تهران تخمین زده می‌شود واحدهای مسکونی مسکن خالی، نیمه‌تمام، پروانه‌گرفته و هدف‌گذاری‌شده (مانند وعده ساخت ۲۰۰ هزار واحد مسکونی چینی) پذیری حدود چهار میلیون جمعیت شود. اینها خود تقریباً تمام ۱۰ میلیون نفر اضافه جمعیت را پوشش می‌دهند و چیزی برای سراب ۲۷ شهر جدید هدف‌گذاری‌شده باقی نخواهد ماند. باید دانست که به طور عام تجربه شهرهای جدید در جهان موفق ارزیابی نشده و تعداد شهرهای جدید موفق اندک است؛ چون به عقیده برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای القای (inducement) فضا ناممکن است. به طور مثال در انگستان که معرف و آغازگر شهرهای جدید در جهان در سال ۱۹۴۶ بوده، با تمام امکانات سرمایه‌ای و زیربنایی آن تا سال ۲۰۲۱ که انگلستان با ازدیاد ۱۶ میلیون نفر از حدود ۵۱ میلیون نفر به ۶۷ میلیون نفر جمعیت رسیده، ۳۲ شهر جدید با جمعیت ۲،۸ میلیون نفر احداث شده است. ازاین‌رو برای احداث شهرهای جدید بیشتر نباید حتی به‌عنوان یک بنگاه معاملات املاک هم تعجیل کرد تا به سرنوشت بنگه‌های معاملات املاک مناطق آزاد متعدد ایران دچار نشوند.

ایران برای توسعه پایدار در درجه اول نیازمند برنامه جامع بخشی و آمایشی ورود به اقتصاد و جامعه دانش است که اسکان جمعیت باید تابع آن باشد. یکی از حیاتی‌ترین مسائل که این ورود را ضروری می‌کند، هوشمندسازی کشاورزی و از این طریق مدیریت آب برای نجات زیست‌بوم ایران، فقرزدایی روستاییان و پیشگیری از مهاجرت آنهاست. رتبه ایران در مدیریت آب ۱۳۰ بین ۱۳۳ کشور بوده؛ زیرا نزدیک به ۹۰ درصد از آب مصرفی در بخش کشاورزی، با راندمانی نصف متوسط جهانی است. با ارتقای تدریجی این راندمان با هوشمندسازی کشاورزی، هم مسائل محیط زیست حل می‌شود، هم وابستگی کمتر و هم رفاه روستاییان تأمین می‌شود. بدیهی است که هوشمندسازی کشاورزی بر دریامحوری مقدم است. در بخش صنعت و خدمات دانش‌بنیان نیز اشتغال‌راست و فناوری و امکانات آن در ایران موجود است و از این طریق ایران به صادرکننده و قطب این فناوری در منطقه چهار بحران آبی خاورمیانه تبدیل می‌شود. از سویی دیگر هزینه شیرین‌گردن آب بسیار سنگین است. به طور مثال تنها برای به انجام رسیدن سه طرح شیرین‌سازی آب دریا در استان هرمزگان ۳۶۰ میلیون دلار از صندوق توسعه ملی، تأمین مالی شده است. این طرح‌ها تنها پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای کنونی آب شرب و صنعتی این استان و معاندى در مناطق مرکزی هستند که امکانات مخابراتی دارند؛ اما کشاورزی را نمی‌توانند نجات دهند. به طور مثال جاهای آب خود استان هرمزگان در طول سه دهه شش متر پایین رفته‌اند؛ اما وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو تنها نظاره‌گر پایین‌رفتن چاههای آب در ایران تا خشک‌شدن آنها هستند.

پایان سخن اینکه نوفنودال‌لیسم در ایران پس از تثبیت در دولت احمدی‌نژاد، اکنون به مرحله قفل‌شدگی نهادی رسیده است؛ یعنی جز تولید رانت اندیشه‌ای ندارد؛ ولی در آن هم موفق نیست؛ چون از آن اشباع شده است. اکنون بر رانت نفت، انحصارات، سهم‌گیری و به تیول دادن صنایع و خدمات بزرگ و رانت‌جویی در متن اقتصاد که با تراکم‌فروشی در دولت سازندگی آغاز شده بود، رانت‌جویی به طور مستقیم متوجه درآمد ارزی و صندوق توسعه ملی شده است. به‌این‌صورت که از یک سو فروش نفت از طرف اشخاص که از دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد آغاز شده بود، اکنون براساس سیاست «رفع انحصار از امتیازات منطقه‌ای و بهره‌برداری از معادن» در بسته فنا، کاملاً قانونی شده و به همه دستگاه‌ها اجازه فروش نفت از سوی «اشخاص» داده شده تا همه را به تاجر نفت تبدیل کند. از سوی دیگر به‌ویژه به دنبال قفل‌شدگی بخش مستغلات و منابع بانک‌ها و ناکامی طرح‌هایی مانند انتقال پایتخت، کوشش برای دستیابی به منابع ارزی را در پرده طرح‌هایی مثل بازآفرینی شهری، تولید مسکن صنعتی، احداث شهرهای جدید دریامحور و... پیچیده‌اند. البته چون معلوم نیست که این بنیاده‌انه‌ها در پیداری هم حاصل شود، دولت فخمیه عجالتا مالیات‌هایی در حد خراج و قابل تعمیم به گذشته را بر صغیر و کبیر تحمیل کرده تا جز خواص کسی امکان حیات اقتصادی نداشته باشد. در همه این موارد نیز جاذبی از سازندگی که بسته فنا را تدوین کرده بود، به راهنمایی و همراهی با سیاست‌های این دولت مفتخر بوده است. اینها بی‌شک نشانه‌های فروپاشی یک سیستم نوفنودال اشباع‌شده از رانت هستند، نه بقای آن. سیستمی که قانون را نه‌تنها در عرصه سیاسی و اجتماعی رعایت نمی‌کند؛ بلکه روبنایی است که در عرصه اقتصاد نیز از قانون‌مدنی حداقلی سرمایه‌داری با حفظ جرعه انباشت و تولید و توزیع کالاهای گسترده نیز روی برتابیده و به مانع باندگی زیربنا نیز تبدیل شده است.

به‌روزرسانی قوانین و مجازات‌های سنتی، ضرورت قضائی کارآمد

نبود پابندی به هنجارها و ارزش‌های مورد انتظار کنشگری است که در یک موقعیت اجتماعی ایفای نقش می‌کند. هرچه نظام حقوقی برای انجام یا ترک فعلی مغایر با توقعات نقش‌های اجتماعی مجازات اثربخش‌تری را اعمال کند، کارآمدتر خواهد بود.

انواع، ابعاد، شیوه‌ها و کمیت مجازات‌ها و تأثیر آنها بر پیشگیری از وقوع جرم، تأدیب مجرم و جبران زیان وارده بر بزه‌دیده بسیار مهم بوده، ضرورت دارد متناسب با تحولاتی که در دامنه و تنوع جرم رخ می‌دهد، مجازات‌ها نیز به گونه‌ای متنوع و کارآمدتر شوند؛ به طوری‌که افراد اجازه ارتکاب جرم یا تکرار آن را به خود ندهند و این مهم‌ترین نقش و هدفی است که در نظام کیفری مدرن برای مجازات‌ها تعریف می‌شود که در راستای تحقق این هدف لازم است شارع به تحولات اجتماعی و توقعات افراد جامعه از نظام قضائی-تقنینی در انشای قوانین کیفری بنا بر باورهای اخلاقی حاکم بر جامعه و اصلاح مجازات‌های سنتی توجه کند.



محمدهادی جعفرپور وکیل دادگستری

ضرورت اصلاح قوانین به‌ویژه قوانین کیفری و به‌روزرسانی مجازات‌ها به‌عنوان واکنش اجتماعی چیست؟ تئوری‌ها و نظریات ارائه‌شده در مکاتب حقوقی مانند مکتب تحقیقی، کلاسیک، نئوکلاسیک، دفاع اجتماعی و... مؤید این ادعاست که همگام با تحولات اجتماعی و تنوع روابط افراد جامعه با یکدیگر و حاکمیت، اصلاح و به‌روزرکردن مقررات حاکم بر این روابط امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر در دوره انتقام خصوصی مهم‌ترین دلیلِ کیفر و مجازات‌کردن شخص